



«ایران» مهم‌ترین تحولات سیاست خارجی کشور

در ۱۴۰۴ را بررسی می کند

دیپلماسی در «اتاق جنگ»

گزارش

سیاست خارجی ایران در سالی که گذشت روزهای پرفراز و فرودی را از سرگذراند تا جایی که روزهای انتهایی آن به جنگی خونین و گسترده تبدیل شد که قریب به اتفاق کشورهای منطقه خاورمیانه را نیز درگیر کرد. روزهای آغازین سال با روند دیپلماتیکی کلید خورد. نشست عمان اولین مذاکره رسمی در دوران دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در فروردین‌ماه ۱۴۰۴ بود؛ رئیس‌جمهوری که با شعار فشار حداکثری برگشت اما در عین حال وانمود کرد که می‌خواهد گزینه دیپلماسی را پیش از تکرار سیاست نافرجامش درباره ایران بازآورد. سید عباس عراقچی و «استیو ویتکاف»، فرستاده ترامپ درحالی‌که پنج دور مذاکره غیرمستقیم را در فروردین و اردیبهشت سال جاری برگزار کردند که همچون گذشته عمان و وزیر خارجه‌اش، «بدر البوسعدی»، نقش میانجی را در این گفت‌وگوهای حساس ایفا کردند. این مذاکرات در ادامه پنج دور انجام شد و در میانه‌های آن «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راهی تهران شد؛ سفری که حرکتی کاملاً سیاسی و پیام‌دار تلقی می‌شد. همزمان با این مذاکرات دیپلمات‌های ایران و نمایندگان سه قدرت آلمان، فرانسه و انگلیس چهارمین دور گفت‌وگوهای سیاسی خود را به میزبانی استانبول برگزار کردند که ماندگرمیشنه، سایه گسترده پرونده هسته‌ای ایران بر سر این مذاکرات کمرشده بود؛ پرونده‌ای که قرار بود در مهرماه ۱۴۰۴ با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، به ایستگاه حساسی برسد.

میزبانی گفت‌وگوهای صلح

در همین حال تهران در اردیبهشت ماه میزبان گفت‌وگوهای صلح بود. حضور ۲۰۰ هیأت‌مشتمل به مقرمقامات

قدرت سخت و نرم؛ دو بال بقای ایران

یادداشت



ابراهیم متقی

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

ایران در دوران التهاب، بحران و منازعه سیاست خارجی در ۱۴۰۴ با چالش‌های متنوع امنیتی و راهبردی مواجه شده است. علت اصلی آن را باید در نشانه‌هایی از گذار در ساختار نظام بین‌الملل جست‌وجو کرد.

در تکنولوژی ایجاد می‌شود یا اینکه دگرگونی‌های نسلی رخ می‌دهد زمینه برای جنگ، منازعه و رویارویی پدید می‌آید. تبارشناسی تحولات نظامی و بین‌المللی بیانگر این واقعیت است که از اوایل قرن ۲۰ دگرگونی‌هایی در شکل‌بندی‌های سیاسی و امنیتی ایجاد شده که علت اصلی آن را باید در تغییرات تکنولوژیک دانست.

موج دوم و سوم انقلاب تکنولوژیک تغییراتی را در شکل‌بندی قدرت و سیاست و امنیت در نظم جهانی به جای گذاشت. تا سال ۱۹۹۱ که ساختار دو قطبی در وضعیت فروپاشی قرار گرفت قدرت‌های بزرگ محور اصلی کنش رقابتی بودند. نشانه‌هایی از بازآرندگی محور اصلی رفتار بازیگران در حوزه سیاست جهانی محسوب می‌شد. آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی هر کدام یکی از قطب‌های قدرت را شکل دادند و براین اساس شرایطی به وجود آمد که فروپاشی شوروی در موج سوم انقلاب تکنولوژیک یعنی جامعه شبکه‌ای به صورت ساده و مرحله‌ای و گام به گام انجام شد و هیچ‌گونه منازعه‌ای بین شوروی و کشورهای بلوک شرق با آمریکا و دیگر اعضای بلوک غرب رخ نداد. نتیجه این امر را باید یک نوع

ارشد ۵۳ کشور، وزرا و تصمیم‌سازان خلیج فارس، نمایندگان سازمان ملل و صاحب‌نظران بین‌المللی در تهران گرد هم آمدند تا در فضایی که در بیش از یک سال گذشته نظاره‌گر دوره پرشتابی از جنگ و خشونت بوده است، از ضرورت اجماع و تبیین نظم نوین منطقه‌ای بگویند؛ فضایی که بی‌تأثیر از سیاست تفاهم‌جویانه تهران در مسیر کاهش تنش هسته‌ای نبود و میهمانان تهران را نسبت به پیامدهای برآمده از این سیاست که در مذاکرات ایران و آمریکا بازتاب یافته است، امیدوار ساخته بود.

رفت‌وآمد متقابل سران

همزمان با مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا و نشست‌های جمعی منطقه‌ای، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در میانه‌های اردیبهشت ماه در سفری مهم راهی باکو شد که عبوری معنادار از خواشن‌های متعارف دیپلماسی به شمار می‌رفت و یادآور این نکته بود که مرزهای حکمرانی نباید در تاریخ و جغرافیا محصور بمانند، بلکه می‌توانند در ایستگاه مشترک منافع و ارزش‌ها به هم گره بخورند. تهران، همچنین ۵ خرداد ماه میزبان «شهbaz شریف»، نخست‌وزیر پاکستان بود که در روند یک مأموریت دیپلماتیک چندمرحله‌ای قرار داشت که از آنکارا آغاز شده بود، در تهران توقف کرد و در ادامه به باکو و دوشنبه رفت.

چند روز پس از این میزبانی، پزشکیان در پاسخ به دعوت رسمی سلطان عمان و در راستای تحکیم روابط با این همسایه نزدیک و میانجی قابل اعتماد، راهی عمان شد تا ضمن قدردانی ملت ایران از نقش خیرخواهانه، متعهدانه و سازنده این کشور در میزبانی از مذاکرات هسته‌ای، برای تعمیق روابط همه‌جانبه میان دو کشور بکوشد.

آتش افروزی برای جنگ

دو روز پیش از ششمین نشست مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا بود که جنگ ایران و اسرائیل با تجاوز این رژیم از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴آغاز شد و تا ۳



با پایان یافتن دوره ده‌ساله توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ و در نتیجه لغو رسمی محدودیت‌های تحریمی سازمان ملل علیه ایران در ۲۶ مهرماه مرحله‌ای تازه هسته‌ای کشور آغاز شد

شمار می‌رفت. با پایان یافتن مهلت ده‌ساله برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ صحنه‌ای تازه از اختلاف حقوقی و سیاسی میان ایران و غرب پدید آمد. ایران، روسیه و چین معتقد بودند که براساس مفاد قطعنامه، تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران به پایان رسیده و باید لغو آنها به‌طور رسمی اعلام شود اما در سوی مقابل، کشورهای غربی به‌ویژه تروئیکای اروپایی با فعال‌سازی مکانیزم موسوم به ماشه»، بازگشت تحریم‌ها را اعلام کردند. این در حالی بود که دو عضو دائم شورای امنیت یعنی روسیه و چین به‌طور صریح با این اقدام مخالفت کردند.

از نظر آنها، این تصمیم اروپایی‌ها از چند جهت غیرقانونی به شمار می‌رفت: نخست آنکه موضوع اختلاف باید پیش از هر چیز در کمیسیون حل اختلاف برجام مطرح می‌شد، اما این مسیر طی نشد؛ دوم آنکه خود اروپایی‌ها در اجرای تعهداتشان پیشگام نقض برجام بودند.

با به پایان رسیدن این توافق، تهران به همراه مسکو و پکن در سوم آبان ماه در اقدامی هماهنگ نامه‌ای رسمی به «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارسال کردند که پیام پایان یک فصل پرفراز و فرود در شورای حکام را روشن اعلام می‌کرد.

سه کشور در این نامه مشترک به صراحت اعلام کردند که مأموریت ویژه آژانس در چهارچوب برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به نقطه پایان خود رسیده است و از این پس، تمامی ارزیابی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران باید صرفاً در چهارچوب تعهدات پادمانی و اصول معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای انجام شود.

دو دور مذاکره و باز هم جنگ

ایران و آمریکا بیست و هشت بهمن ماه بار دیگر تصمیم گرفتند موضوعات اختلافی از جمله پرونده هسته‌ای را با میانجیگری عمان در شهر مسقط برگزار کنند.

این مذاکرات در شرایطی به پایان رسید که به ظاهر از دل گفت‌وگوهای غیرمستقیم، نشانه‌هایی از شکل‌گیری اصول راهنما سر برآورده بود. پنجشنبه ۷ اسفندماه نیز دور دیگری از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا این بار در ژنو برگزار شد و بنا به اعلام وزارت خارجه عمان، طرفین دست‌کم در سطحی از چهارچوب‌های مفهومی به اشتراک نظر رسیده بودند اما در حالی که قرار بود دو طرف برای ورود به متن مشترک روز دوشنبه بعد از آن نشست، در وین به تبادل نظر درباره مباحث فنی بنشینند، نهم اسفند ماه و بی‌تردید از آن کوتاه نخواهد آمد.



تجاوزی آشکار به ایران، مقام معظم رهبری و شماری از فرماندهان نظامی را به شهادت رساندند؛ تجاوزی که با واکنش گسترده ایران و هدف قرار دادن همه پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربی به یک جنگ منطقه‌ای فراگیر تبدیل شد.

یکی از تحولات مهم سیاسی در جنگ جاری، ترور تعدادی از مقامات عالی‌رتبه ایران بود که سبب شدت‌آیت اله مجتبی‌ی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید معرفی شونده. ایشان با توان مدیریتی و قدرت رهبری خود، شرایط بحرانی را مدیریت کرده و نیروهای نظامی و سیاسی کشور را در حالت آماده‌باش نگه داشتند.

در همین راستا یکی از بزرگ‌ترین تحولات نظامی جنگ، ضربه شدید ایران به پایگاه‌های نظامی آمریکا و سامانه‌های راداری و پدافندی این کشور در منطقه بود و ایران توانست ضربات جدی به این سامانه‌ها وارد کند و به نوعی از نظر نظامی دست بالا را پیدا کند.

حالا در آستانه پایان سال ۱۴۰۴ و در بحبوحه تجاوز نظامی دشمن آمریکا یی - صهیونیستی یکی از جدی‌ترین تنش‌های نظامی، ایران تنگ هرمز را به عنوان حیاتی‌ترین اهرم ژئوپلتیک خود می‌داند و تمام ظرفیت خود را برای حفظ تسلط بر این شاهراه حیاتی به کار بسته است و بی‌تردید از آن کوتاه نخواهد آمد.



جنگی حتماً دیپلماسی بخشی از واقعیت راهبردی و نیاز امنیتی ایران برای بقاست. ادامه جنگ اگرچه نشانه تاب‌آوری راهبردی ایران است اما باید آن را یکی از نشانه‌ها و عواملی دانست که در آن بخشی از زیرساخت‌های ایران در وضعیت هدف قرار خواهد گرفت. دیپلماسی باید بتواند آنچه را از طریق جنگ و مبارزه و تاب‌آوری و مقاومت حاصل می‌شود از چهارچوب میانجیگری بگیرد. امروز دیپلماسی به میانجیگری نیازمند است.

میانجی باید بازیگری باشد که قدرت و ابتکار عمل لازم برای اثر بخشی بر سیاست‌های راهبردی و واقعیت آن است که شرایط برای ترمیم ساختاری و بهینه‌سازی الگوی رفتاری فراهم شد. فضای موجود را باید درک واقعیت‌های جدیدی دانست که جنگ و صلح از طریق دیپلماسی و نظامی‌گری بگیرد آن هستند، اگرچه جنگ هر روز و هر لحظه ادامه دارد اما در فضای

دیپلماسی

خبر

عراقچی با تأکید بر اینکه ایران به دنبال پایان جنگ دائمی است، اعلام کرد

بزودی جشن پیروزی می‌گیریم

وزیر امور خارجه گفت: «این که می‌گوییم آتش‌بس نمی‌خواهیم نه به این دلیل است که مثلاً دنبال تداوم جنگ هستیم بلکه به این دلیل است که این بار این جنگ باید به شکلی تمام شود که دیگر دشمنان ما هرگز به فکر تکرار این حملات و تجاوز نبفتند.» «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه دیروز دوشنبه ۲۵ اسفندماه پس از پایان آخرین نشست سخنگوی دستگاه دیپلماسی در سال جاری با حضور در میان خبرنگاران گفت: «روزهای سخت و اما غرورانگیزی را پشت سر گذاشتیم. یک سال گذشته در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بی‌نظیر بود، ما یک جنگ را پشت سر گذاشتیم و در جریان تجربه یک جنگ دیگر هم هستیم.

شهادی زیادی را تقدیم کردیم؛ از مردم، کودکانمان و مستولان و فرماندهان و در رأس همه مقام معظم رهبری؛ شایسته رسیدن به این مقام بزرگ بودند. این سال افتخار در کارنامه یک عمر مجاهدت ایشان کم بود که اضافه شد.»

دشمن به دنبال تسلیم بی‌قید و شرط ایران است

وزیر امور خارجه با بیان اینکه از این جهت سالی سخت ولی در عین حال با غرور، عزت و افتخار بود، گفت: «ما جنگی را در ابتدای سال داشتیم که دشمنان ما با درخواست تسلیم بدون قید و شرط شروع کردند و در پایان ۱۲ روز درخواست آتش‌بس بدون قید و شرط مطرح کردند.

این بار هم سناریو و با شدت و قدرت بیشتری را پیاده و همه قوای خود را تجهیز کردند تا به ظن خود تسلیم بدون قید و شرط ایران اتفاق بیفتد. آمریکا برای تأمین امنیت خود در تنگه هرمز متوسل به کسانی شده که تا دیروز دشمن خود می‌دانست.»

عراقچی افزود: «با حجم وسیع حملات و اقدامی که در روز اول صورت دادند و بعد دوباره با عبارت تسلیم بدون قید و شرط شروع کردند و امروز بعد از تقریباً ۱۵ روز از جنگ برای امنیت تنگه هرمز متوسل به کسانی می‌شوند که تا دیروز دشمن حساب می‌کردند و از کشورهای دیگری خواهند که به آنها کمک کنند. تنگه هرمز از نظر ما باز است ولی به روی دشمنان ما و کسانی که به کشور ما تجاوز ناجوانمردانه انجام دادند و متحدانشان بسته است.»

این جنگ باید به گونه‌ای خاتمه یابد که دیگر تکرار نشود

رئیس دستگاه دیپلماسی با تأکید بر اینکه ما در حال یک مقاومت غرورانگیز هستیم و به این مقاومت بدون هیچ تزلزلی ادامه خواهیم داد، گفت: «دیشب در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس آمریکا مجدداً تکرار کردم که ما هیچ پامی ارسال نکردیم و تقاضای آتش‌بس ندادیم ولی این جنگ باید خاتمه یابد به گونه‌ای که دیگر تکرار نشود. اینکه می‌گوییم آتش‌بس نمی‌خواهیم نه به این دلیل است که مثلاً دنبال جنگ هستیم بلکه به این دلیل است که این بار این جنگ باید به شکلی تمام شود که دیگر دشمنان ما هرگز به فکر تکرار این حملات و تجاوز نبفتند.

فکرمی‌کنم تا همین الان درس خوبی فرا گرفتند و فهمیدند که ا چه ملتی طرف هستند که در دفاع از خود هیچ تردیدی نمی‌کند و آمادگی دارد جنگ را تا هر جایی که است، ادامه دهد.»

تنگه هرمز بسته نشده است

همچنین اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در نشست خبری روز گذشته ۲۵ اسفند در پاسخ به سوآلی در خصوص امکان مشارکت نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس در موضوع تنگه هرمز گفت: «تنگه هرمز بسته نشده است و به دلیل شرایطی که به آن تحمیل شده و ناامنی ایجاد شده از سوی ایالات متحده و اسرائیل، تحت نظارت نیروهای مسلح ما درآمده است. هیچ کشور ساحلی اجازه نخواهد داد که متجاوزین از حریص آبی آن برای ضربه زدن به آن کشور استفاده کنند. نیروهای مسلح ما عبور و مرور را کنترل می‌کنند و کشورهایه که بخشی از تجاوز نظامی علیه ایران نیستند با هماهنگی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند.

اینکه دیگران وارد این معرکه شوند تصمیم خود آن‌ها است اما قطعاً کشورهای مسلمان منطقه نخواهند پذیرفت که با زریسمی همراه شوند که چندی پیش یک تنگه باشد را به راه انداخت. اگر قرار باشد ملت‌های منطقه ورودی داشته باشند، قطعاً ورودشان علیه متجاوزین خواهد بود.»